

## An Intertextual Reading of Surah Al-Mu'minin in the Qur'an: Structural and Semantic Connections

Mohammad Hossein Rahavian<sup>1</sup>, Ahmad zare' Zardini<sup>2</sup> , Somayeh Usofi<sup>3</sup> 

1. Master of Science Graduate in Quran and Hadith Studies, Faculty of Quranic Sciences, Meybod, Iran.

[rahavian4420601256@gmail.com](mailto:rahavian4420601256@gmail.com)

2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, University of Meybod, Meybod, Iran. [zarezardini@meybod.ac.ir](mailto:zarezardini@meybod.ac.ir)

3. Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, University of Meybod, Meybod, Iran (Corresponding Author).

[stu.usofi@meybod.ac.ir](mailto:stu.usofi@meybod.ac.ir)

### Research Article



### Detailed Abstract

#### Research Objective

The present study aims to examine the intertextual reading of Surah Al-Mu'minin in response to the question: How is the intertextual reading of Surah Al-Mu'minin performed? By employing an intertextual approach, the study evaluates the effectiveness of this method as a hermeneutical tool for understanding the Qur'an and investigates how the various thematic elements of the surah are interconnected.

#### Research Methodology

This research, which seeks to propose a model for Qur'anic reading, adopts a descriptive-analytical approach. Initially, intratextual references within each ruku' (section) of Surah Al-Mu'minin are identified, followed by an intertextual reading of the ruku's. Considering the importance of ruku's in Qur'anic comprehension, the surah is first segmented according to its ruku's, and then the relevant verses are broken down into passages. In the first stage, passages within each verse are read continuously, followed by continuous reading of these verses in relation to preceding and succeeding verses until the end of the ruku'. Each ruku' is then assigned a thematic title based on the coherence of its verses. In the second stage, an intertextual reading of the ruku's is conducted, both at the lexical and semantic levels.

#### Findings

The findings indicate that the verses of Surah Al-Mu'minin are structurally and semantically interconnected, providing a strong basis for intertextual reading. One prominent form of intertextual connection in this surah is the relationship within and between

Received: 2024-07-31 | Received in revised form: 2024-10-02 | Accepted: 2024-11-20 | Published online: 2025-10-23

◆ How to cite: yousefi,S. , Rahavian,M. H. and zarezardini,A. (2025). An Intertextual Reading of Surah Al-Mu'minin in the Qur'an: Structural and Semantic Connections. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 9(7), 266-290. doi: 10.22034/sshq.2024.470838.1483

©2025. Article type: Research Article Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



[style.quran.ac.ir](http://style.quran.ac.ir)

ruku's. Surah Al-Mu'minun consists of six ruku's. Beyond the connections among verses within each ruku', the ruku's themselves are interrelated both lexically and semantically: the first ruku' connects with the second, the second with the third, the third with the fourth, the fourth with the fifth, the fifth with the sixth, and there is also a coherent connection between the first and the last ruku'. Paying attention to these interconnections not only enhances comprehension and reading of this surah but also contributes to a broader understanding of Qur'anic textual cohesion. Moreover, it highlights the internal structural unity of the surah.

### Conclusion

Intertextual relationships represent a crucial aspect of text reading, facilitating a more precise and nuanced understanding of the Qur'an. Every text, while functioning as an independent unit, maintains connections with other texts, referred to as intertextual relations. For instance, if each surah is treated as a unit of text, the connections among surahs constitute intertextuality. This phenomenon is also observable among the verses within a surah, whether within a single ruku' or across different ruku's. Ruku's correspond to thematic divisions in the Qur'an, which divide the text into 555 thematic units. Each unit contains a group of thematically related verses that begin with the introduction of a topic and conclude upon its transition to another theme. In other words, each ruku' represents a specific topic within a surah, a pattern more evident in longer surahs, as shorter surahs usually contain a single thematic unit.

Based on this division, Surah Al-Mu'minun can be segmented into six thematic units. Beyond intraruku' connections, the ruku's themselves are interrelated. This approach to Qur'anic understanding and interpretation, as demonstrated in the exegetical experience of Allameh Tabataba'i, has proven highly beneficial. For example, in his commentary on the beginning of Surah Al-Kahf, Allameh employed this method to uncover the multiple semantic layers of Qur'anic verses.

### Keywords

Intertextual Reading, Surah Al-Mu'minun, Qur'an, Ruku', Thematic Unity, Hermeneutics, Semantic Cohesion



## خوانش بینامتنی رکوعات سوره مؤمنون

محمد حسین رهاویان<sup>۱</sup>، احمد زارع زردینی<sup>۲</sup>، سمیه یوسفی<sup>۳</sup>

۱. دانش‌آموخته ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی میبد، میبد، ایران. rahavian4420601256@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران. zarezdardini@meybod.ac.ir

۳. دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران، (نویسنده مسئول) stu.usofi@meybod.ac.ir

### چکیده

فهم و خوانش قرآن کریم فرایندی است که فرد را به معنای قرآن می‌رساند و بعد از آن، فرایند تدبیر، شرح و... انجام می‌شود. به جهت اهمیتی که امروزه به مباحث فهمی داده می‌شود، این پژوهش در طراحی روش‌های فهم قرآن، یکی از بایسته‌های قرآن‌شناسی است. یکی از روش‌های مفید و کاربردی در فهم، خوانش بینامتنی است؛ این سبک از خوانش با آنچه تفسیر قرآن به قرآن نامیده می‌شود نیز از این زاویه بسیار مرتبط است؛ بنابراین، پژوهش حاضر که در جهت ارائه مدلی خوانشی، حرکت می‌کند، می‌کوشد تا به روش توصیفی-تحلیلی در ابتدا، ارجاعات درون‌متنی آیات در هر رکوع سوره مؤمنون را شناسایی و سپس به خوانش بینامتنی رکوعات در این سوره، بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیات سوره مؤمنون از نظر ساختاری و معنایی به یکدیگر ارجاع داده شده‌اند و زمینه خوانش بینامتنی را فراهم می‌کنند. یکی از ارتباط‌های بینامتنی سوره مؤمنون، ارتباط درون‌رکوعی و برون‌رکوعی آن است. سوره مؤمنون دارای شش رکوع است؛ علاوه بر ارتباط میان آیات در هر رکوع، هریک از رکوعات این سوره نیز از لحاظ لفظی و معنایی با یکدیگر در ارتباط است؛ رکوع اول با دوم، دوم با سوم، سوم با چهارم، چهارم با پنجم، پنجم با ششم؛ همچنین رکوع اول و آخر نیز از ارتباط منسجمی برخوردار است. توجه به این پدیده نه تنها در فهم و خوانش این سوره، بلکه در فهم قرآن نیز بسیار راهگشا است؛ همچنین می‌تواند انسجام متنی این سوره را نیز به خوبی نمایان سازد.

**کلیدواژه‌ها:** ارجاعات درون‌متنی، خوانش بینامتنی، رکوعات قرآن، سوره مؤمنون، قرآن کریم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

◆ استناد به این مقاله: یوسفی، سمیه، رهاویان، محمدحسین و زارع زردینی، احمد. (۱۴۰۴). خوانش بینامتنی رکوعات سوره مؤمنون. *مطالعات سبک شناختی قرآن کریم*, ۹ (شماره ۲)، ۲۶۶-۲۹۰. doi: 10.22034/sshq.2024.470838.1483



پژوهشی

موضوع فهم که گاه با تعبیر خوانش نیز از آن یاد می‌شود، به معنای درک معنای یک متن است؛ به عبارت دیگر، خوانش فرآیند وصول به معنای حقیقی است. از ترکیب این مفهوم با قرآن کریم اصطلاح خوانش یا فهم قرآن به دست می‌آید. موضوع فهم قرآن را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین فعالیت‌های قرآن‌پژوهی به حساب آورد؛ زیرا یکی از ضرورت‌های آموزش و ترویج قرآن، مسئله فهم قرآن کریم است. از سوی دیگر، از بایسته‌های مهم در زمینه دانش تفسیر قرآن، روش‌مندسازی و توسعه روش‌های تفسیر قرآن کریم است. در این میان، روش تفسیر قرآن به قرآن که گاه از آن به عنوان بهترین و متقن‌ترین روش در تفسیر قرآن سخن گفته می‌شود، اگرچه توسط برخی از مفسرین تحول بسیار مهمی را به خود دیده است، همواره در مقام کلان روش، مورد بررسی قرار گرفته است و کمتر به دنبال شناسایی و ارائه خرده‌روش‌های آن حرکتی صورت گرفته است که به نظر می‌رسد توجه به بحث مطالعات بینامتنی می‌تواند راه را در شناسایی این خرده‌روش‌ها هموارتر نماید.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا در پاسخ به این پرسش که خوانش بینامتنی سوره مؤمنون چگونه صورت می‌گیرد، به خوانش بینامتنی سوره مؤمنون بپردازد. سوره مؤمنون، بر اساس چینش مصحف، بیست و سومین سوره قرآن است. این سوره مکی است و ۱۱۸ آیه دارد. چنانکه از نام این سوره پیدا است، بخش مهمی از آن سخن از اوصاف برگزیده مؤمنان است؛ سپس بحث‌هایی در زمینه اعتقاد و عمل بیان می‌کند که تکمیل‌کننده آن صفات است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۴/۱۹۰-۱۹۱). تنوع موضوعی در این سوره، تحلیل ارتباطات آیات را پیچیده و در عین حال، غنی کرده است و دلیل انتخاب این سوره جهت پژوهش نیز همین مطلب است؛ زیرا با استفاده از روش بینامتنی می‌توان میزان کارآمدی این روش را در روش فهمی برای قرآن محک زد و بررسی کرد که چگونه این موضوعات مختلف به یکدیگر متصل شده‌اند؛ به همین منظور، بنابر اهمیتی که توجه به رکوعات در فهم قرآن دارد در آغاز، بخش‌های این سوره بر اساس رکوعات از یکدیگر تفکیک شده و سپس آیات موردنظر به فرازهایی تجزیه و تلاش شد تا در مرحله اول، فرازهای درون یک آیه به صورت پیوسته خوانش و به خوانش پیوسته این آیات با آیات پیشین یا پسین تا انتهای یک رکوع پرداخته شود و بنابر پیوستگی آیات هر رکوع، عنوانی برای آن رکوع انتخاب شود و در مرحله دوم، به خوانش بینامتنی رکوعات در سوره، از لحاظ لفظی و معنایی، پرداخته شده است.

این رویکرد در فهم و تفسیر قرآن، از فواید بسیاری برخوردار است. درباره ضرورت انجام این پژوهش باید گفت یکی از حلقه‌های مفقوده آموزش قرآن کریم، بررسی علمی مسئله فهم این کتاب الهی است. به همین جهت، رویکرد اصلی در تعلیم و ترویج قرآن کریم که از جانب نهادهای فرهنگی نیز دنبال می‌شود، ترویج فهم این کتاب مقدس است. براین اساس، در بخش اهداف منشور توسعه فرهنگ قرآنی نیز در این مورد آمده است: «تعمیق معرفت

و تعمیم فهم و درک قرآن کریم» به گونه‌ای است که سیاست کنونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز همگانی کردن فهم قرآن کریم است و گاه با تعبیری همچون «نهضت فهم قرآن کریم» از آن سخن گفته می‌شود.

در زمینه بررسی محتوایی و ساختاری و تحلیل و تفسیر سوره‌ها، از جمله سوره مؤمنون، آثار متعددی نوشته شده است: نخستین فردی که بر علم تناسب آیات و سور تمرکز داشته، ابوبکر عبد الله بن محمد ابن زیاد (۳۲۴ ق) عالم شافعی متولد نیشابور و ساکن بغداد است؛ اما طبرسی (۵۴۸ ق) اولین فردی است که به ارتباط و پایان هر سوره با آغاز سوره بعد توجه داشته است (طبرسی، ۱۳۷۹: ۴/۴۲۲). پس از او فخر رازی (۶۰۶ ق) این نوع ارتباط را مد نظر قرار داد و در روش او نظم آیات یک سوره با آیه آغازین سوره بعد منظور است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۵/۲۳). زرکشی (۷۹۴ ق) نیز بخشی از کتاب خود را به بحث مناسبت سوره‌ها اختصاص داده و بیان می‌کند که زمانی که به آغاز هر سوره بنگری، درمی‌یابی که مناسبتی کامل با پایان سوره قبل از خود دارد که گاهی نهان و گاهی آشکار است (زرکشی، بی تا: ۱/۳۸). کتاب‌هایی نیز در این زمینه نوشته شده است؛ مانند کتاب «نظم الدرر فی تناسب الایات و السور» نوشته برهان‌الدین ابراهیم ابن عمر بقاعی (۸۵۵ ق)؛ همچنین سیوطی (۹۱۱ ق) کتابی تحت عنوان «مرصاد المطالع فی تناسب المقاصد و المطالع» را در موضوع تناسب میان آغاز و پایان سوره‌ها به نگارش درآورده است (زارع زردینی و خلیلی، ۱۳۹۷: ۱۴۱/۶۱-۶۴). در زمینه توجه به بحث سیاق آیات و استفاده از آن در تفسیر، می‌توان از مفسران بزرگی چون علامه طباطبایی (۱۴۰۲ ق) در «تفسیر المیزان»، سید قطب (۱۳۸۷ ق) در تفسیر «فی ظلال القرآن و ابوالفتوح رازی» (۵۵۲ ق) در «روض الجنان» نام برد، اما وجه تفاوت کار ما در این پژوهش با آنها در این است که ۱- دسته‌بندی آیات در این پژوهش با دسته‌بندی که آنها در تفسیر خود آورده‌اند متفاوت است. ابوالفتوح رازی آیات این سوره را به ۳ دسته (۱-۲۲، ۲۳-۵۶، ۵۷-۱۱۸) و سید قطب به ۴ دسته (۱-۲۲، ۲۳-۵۲، ۵۳-۹۸، ۹۹-۱۱۸) و صاحب «المیزان» به ۶ دسته (۱-۱۱، ۱۲-۲۲، ۲۳-۵۴، ۵۵-۷۷، ۷۸-۹۸، ۹۹-۱۱۸) تقسیم کرده است. علامه هرچند آیات این سوره را به ۶ دسته تقسیم کرده، ولی شماره آیات در این دسته‌بندی‌ها با شماره آیات در دسته‌بندی‌های این پژوهش متفاوت است. ۲- در این تفاسیر کمتر به شناسایی و ارائه خرده‌روش‌ها در استفاده از سیاق در تفسیر آیات، سخن به میان آمده است؛ از این رو، تنها در صورتی می‌توان به روابط آیات دست یافت که کلیه مباحث تفسیری را مطالعه کنیم و با زحمت بسیار آنها را به هم مرتبط سازیم. در مقاله ساختار و تفسیر سوره مؤمنون، نوشته نیل رابینسون نیز آثاری از روابط بینامنی به چشم می‌خورد. نویسنده فهرست فضایل آغاز سوره‌ها که در آیات «۱-۱۱» آمده است را با آنچه آن را آیات سرودگونه (آیات ۷۸-۸۰) می‌خواند، مرتبط دانسته است (رابینسون و حری، ۱۳۹۰: ۸/۱۷). او اولین گروه آیات را به عنوان فضایل مؤمنان و

دومین گروه آیات را ستایش خالق و سومین گروه آیات (آیات ۷۸ - ۸۰) را سرآغاز بخش سوم به عنوان آیات سرودگونه می‌داند.

در آثار تفسیر ساختاری دکتر خامه‌گر و برخی مقالاتی که بر مبنای روش ایشان نوشته شده نیز به بحث سیاق‌بندی آیات توجه شده؛ بدین ترتیب که در ابتدا با روشی علمی و استدلالی آیات هر سوره را سیاق‌بندی و سپس سیاق‌ها را عنوان‌گذاری کرده و بنا بر عنوان سیاق‌ها و دلایل دیگر، در نهایت، به غرض سوره دست یافته است. ایشان آیات سوره مؤمنون را به ۵ قسم تقسیم کرده است (۱-۲۲، ۲۳-۵۱، ۵۲-۹۸، ۹۹-۱۱۷، ۱۱۸). در آثار ایشان به این مطلب تأکید شده که برای ارائه تفسیر ساختاری یک سوره قرآن، باید دو مرحله طی شود: ۱- مفسر باید بنا بر قواعد علمی، ساختار و غرض سوره را به روش استدلالی کشف کرده و محتوای سوره را فصل‌بندی نماید. ۲- مفسر باید بنا بر کیفیت ارتباط آیات در ساختار سوره و معنای تفسیری آیات، متن تفسیری سوره را به روش پیوسته ارائه نماید (خامه‌گر، ۱۳۹۸: ۱۷۵)؛ بنابراین تفاوت کار این پژوهش با تفسیر ساختاری سوره مؤمنون دکتر خامه‌گر در دو مورد است: ۱- تفاوت در سیاق‌بندی آیات که طبعاً نتیجه متفاوتی نیز رقم خواهد زد ۲- توجه این پژوهش به روابط بینامتنی رکوعات سوره مؤمنون از لحاظ لفظی و معنایی.

## ۲- تعریف مفاهیم

### ۲-۱- رکوعات قرآنی

اگر متنی را به اجزای گوناگونی که مربوط به موضوعات گوناگون می‌شود تقسیم کنیم، به فهم بیشتری از آن دست پیدا می‌کنیم. در صدر اسلام پیامبر اکرم (ص) برای تعلیم قرآن کریم به مسلمانان، متن هر سوره را به موضوعات گوناگون تقسیم می‌کردند تا تعلیم قرآن به سهولت انجام گیرد که این تقسیم‌بندی را رکوع می‌نامند. (محمدعلی لسانی فشارکی و مرادی زنجانی حسین، ۱۳۹۴: ۵۶)

«رکوعات قرآن بخش و گروهی از آیات است که در یک موضوع آمده و اتحاد مضمونی دارد که با شروع آن موضوع رکوع آغاز می‌گردد و با تغییر و تحول کلام به موضوعی دیگر ختم می‌شود»، هر رکوع بیان‌کننده موضوعی خاص در هر سوره است که بیشتر در سوره‌های بزرگ قرآن می‌توان آن را جستجو کرد؛ زیرا سوره‌های کوچک اغلب شامل یک واحد موضوعی است و تنوع موضوعی بیشتر در سوره‌های بزرگ به چشم می‌خورد. (معینی، ۱۳۷۷: ۱/۱۱۱۷)

این تقسیم‌بندی اعجاز‌آمیز که از گذشته به «رکوعات قرآنی» مشهور بوده، بر حسب تعلیم پیامبر اکرم (ص) به پانصد و پنجاه و پنج واحد موضوعی صورت گرفته است. بدین گونه که پیامبر

اکرم (ص) پس از قرائت سوره حمد در رکعات اول و دوم نمازهای یومیه، گاه یک سوره کوچک و بیشتر اوقات یکی از این قسمت‌ها را می‌خواندند و پس از آن به رکوع می‌رفتند.

همچنین قدما، برای این مسئله، اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. تا حدی که علامتی وضع کردند تا در همه مصحف‌ها نشان‌دهنده رکوعات باشد. آنان حرف عین را که حرف آخر رکوع بود، در پایان هر قسمت که به عنوان نشانگر مواضع رکوعات باشد، قرار می‌دادند و استاد در جلسات آموزش و قرائت قرآن سعی می‌کرد تا در هر جلسه یک رکوع کامل را به فراگیران تعلیم دهد و شاگردان نیز در هر جلسه یک رکوع کامل را فرا می‌گرفتند؛ اما امروزه در برخی از چاپ‌های قرآن کریم به علت عدم توجه به این نوع تقسیم‌بندی، این علامت از مصحف شریف پاک شده است (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۵۷-۵۶). محدوده رکوعات سوره مؤنون بر مبنای تقسیم قرآن به ۵۵۵ واحد موضوعی عبارتند از آیات ۱- ۲۲، ۲۳- ۳۲، ۳۳- ۵۰، ۵۱- ۷۸، ۷۹- ۹۲ و ۹۳- ۱۱۸.. (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۶۱)

## ۲-۲- بینامتنیت

بینامتنیت، در اصل به معنای درهم آمیختن است؛ و در این حوزه و به صورت ساده، ناظر به شکل یافتن هر مفهوم از مؤلفه‌های متنی متعدد است (غیاسوند، ۱۳۹۲: ۹۸/۳۵). واژه بینامتنیت را نخستین بار جولیا کریستوا در دهه ۱۹۶۰، مطرح نمود. بر پایه اصل بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند؛ همچنین، هیچ متن، جریان یا اندیشه‌ای اتفاقی و بدون گذشته خلق نمی‌شود، بلکه همیشه از پیش چیزی یا چیزهایی وجود داشته است. انسان از هیچ نمی‌تواند چیزی بسازد، بلکه باید تصویری (خیالی یا واقعی) از متنی وجود داشته باشد تا ماده اولیه ذهن او شود و او بتواند آن را همگون یا دگرگون بسازد؛ بنابراین، تمامی دانش‌ها و اندیشه‌ها گذشته دارند (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷)؛ البته، روابط بینامتنی در میان نظام‌های نشانه‌ای جهان، به‌ویژه متون ادبی، همواره وجود داشته است؛ اما شکل یافتن و طرح آن در جایگاه یک نظریه در قرن اخیر، صورت گرفته است. پس از ژولیا کریستوا، بارت، ریفارتر، ژنی، ژرار ژنت و... به تکمیل و گسترش این نظریه پرداختند (همان، ۸۴) و هریک بنابر مطالعات، پژوهش‌ها و دیدگاه خویش، آن را گسترش دادند و جنبه‌های گوناگونی از آن مطرح کردند.

ژنت، بینامتنیت را به سه گونه پیوند بینامتنی صریح- تعمدی، پنهان- تعمدی و ضمنی تقسیم می‌کند. بینامتنیت صریح- تعمدی حضور آشکار یک متن در متن دیگر است؛ به صورتی که نویسنده تمام یا بخشی از متن آثار گذشته را در اثر خود می‌گنجاند. نقل قول، اقتباس، درج، تضمین در گروه این نوع بینامتنیت جای می‌گیرد. بینامتنیت پنهان- تعمدی حضور پنهان یک متن در متن دیگر است. این نوع بینامتنیت می‌کوشد تا مرجع خود را پنهان کند. ژنت سرفق‌های ادبی- هنری را از این دسته بینامتنیت می‌داند. دسته سوم بینامتنیت

ضمنی است که در آن مؤلف قصد پنهان کردن بینامتنیت را ندارد و نشانه‌هایی در متن به کار می‌برد که با آنها می‌توان بینامتن را تشخیص داد؛ اما هیچ‌گاه به صورت صریح بیان نمی‌شود. در این نوع بینامتن، دانش مخاطب در کشف و درک آن تأثیر مستقیم دارد. کنایات، اشارات، تلمیحات از مهم‌ترین اشکال این دسته هستند (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۲).

نامور مطلق به دنبال بومی‌سازی، تبیین و کاربردی‌سازی این روش در مطالعات ادبی الگویی را برای طبقه‌بندی این روش ارائه نموده که پژوهش حاضر نیز از آن الگو برای مطالعات قرآن‌شناسی بهره برده است. در این الگو روابط بینامتنی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: برون‌متنی و درون‌متنی.

روابط برون‌متنی خود به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- میان‌مؤلفی: روابطی که مؤلف میان مطالب خود و مؤلفان دیگر برقرار کرده و در اثر خود به آثار آنها ارجاع می‌دهد ۲- درون‌مؤلفی: روابطی که بین مطالب مؤلف از چند منبع برقرار می‌شود و مؤلف به آثار دیگر خود ارجاع می‌دهد. روابط بینامتنی درون‌متنی نیز دو قسم است: ۱- میان‌دفتری (میان‌سوره‌ای) ۲- درون‌دفتری (درون‌سوره‌ای). روابط بینامتنی درون‌دفتری نیز به دو قسم درون‌روایتی (درون‌رکوعی) و برون‌روایتی (برون‌رکوعی) تقسیم می‌شود. (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۴۳۰-۴۳۲)

منظور از روابط بینامتنی در این پژوهش روابط درون‌دفتری (درون‌سوره‌ای) است که روابط بین آیات در یک سوره، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این روابط هم آیات در هر رکوع و هم روابط بین رکوعات مختلف را شامل می‌شود.

### ۳- خوانش بینامتنی رکوعات سوره مؤمنون

خوانش بینامتنی سوره مؤمنون را می‌توان به دو بخش خوانش بینامتنی درون‌رکوعی و خوانش بینامتنی برون‌رکوعی تقسیم کرد.

#### ۳-۱- خوانش بینامتنی درون‌رکوعی

در این بخش به خوانش بینامتنی آیات سوره مؤمنون در هر رکوع خواهیم پرداخت. این رکوعات شامل شش رکوع به این ترتیب است: آیات ۱ تا ۲۲ و آیات ۲۳ تا ۳۲ و آیات ۳۳ تا ۵۰ و آیات ۵۱ تا ۷۷ و آیات ۷۸ تا ۹۲ و آیات ۹۳ تا ۱۱۸ که آیات هر رکوع با هم ارتباط و تناسب دارد. (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۶۱).

#### ۳-۱-۱- خوانش درون‌رکوعی آیات رکوع اول (آیات ۱ تا ۲۲):

به نظر می‌رسد موضوع اصلی این رکوع را می‌توان ذکر ویژگی مومنان و عوامل مؤثر در تقویت ایمان دانست.

در ابتدای رکوع اول (آیات ۱-۱۱)، به ویژگی مؤمنان و اعمال صالحی که موجب رستگاری و دستیابی آنان به بهشت برین می‌گردد، پرداخته شده است. این اعمال عبارتند از: نماز همراه با فروتنی به درگاه پروردگار، روی گردانی از لغو، پرداخت صدقه و زکات به مردم مستمند، اجتناب از آلودگی‌های جنسی و اکتفا به روابط مشروع و مجاز، امانت‌داری و مراعات معاهدات و مواظبت بر اوقات نماز. هریک از این اعمال به سهم خود فاصله انسان از تاریکی‌های زندگی را بیشتر و انسان را در راه نورانیت وارد می‌کند.

آیات میانی رکوع اول (آیات ۱۲-۲۰) به بیان آیات و نشانه‌های انفسی و آفاقی اختصاص دارد و به نعمت‌هایی که خداوند به انسان عطا کرده است اشاره می‌کند که هریک از آیات مذکور در این بخش، به تقویت ایمان یک فرد مسلمان کمک می‌کند؛ مانند: «چگونگی خلقت انسان، آفرینش هفت آسمان، نازل کردن باران، پدید آوردن درختان و میوه‌ها برای استفاده انسان، خلقت کشتی» و قرآن کریم، این نعمت‌ها را دلیلی بر عظمت خداوند و عبرت و پند گرفتن انسان بیان می‌کند که خلقت انسان عبث نیست و باید در این دنیا اعمال صالح را انجام دهد.

و در آیات پایانی (۲۱-۲۲) وجود چهارپایان و منافع آنان برای انسان و استفاده انسان از کشتی را عبرت و نشانه‌ای برای خداشناسی معرفی می‌کند تا انسان بنا بر پدیده‌های هستی به وجود خالق حکیم پی برده و با بهره‌مندی از این نعمات در انجام عمل صالح و ایمان به خداوند بهره ببرد.

## ۲-۱-۳- خوانش درون‌رکوعی آیات رکوع دوم (آیات ۲۳ تا ۳۲):

موضوع اصلی این رکوع ارسال رسل در جهت دعوت به ایمان است.

در ابتدای رکوع دوم (آیه ۲۳)، به بیان فرستادن حضرت نوح(ع) به سوی قومش برای هدایت مردم و پرستش خداوند و دوری از شرک می‌پردازد؛ در آیات میانی رکوع (۲۶-۲۹) به انکار قوم نوح(ع) از پذیرفتن دعوت و دیوانه خواندن او پرداخته و در ادامه به دستور خدا برای ساخت کشتی و نجات حضرت نوح(ع) و عذاب قومش برای عبرت دیگران اشاره می‌کند و دلیل عذاب شدن قوم نوح(ع) را ستم کردن با شرک ورزیدن به خداوند معرفی می‌کند. در آیات پایانی رکوع دوم (آیه ۳۰) به بیان داستان حضرت نوح(ع) پرداخته و آن را نشانه‌ای برای آزمایش بندگان معرفی می‌کند.

و در ادامه، (آیات ۳۱-۳۲)، قرآن بیان می‌کند که پس از حضرت نوح(ع) قومی دیگر فرستادیم و برای هدایت آنها پیامبری از خودشان برای آنان انتخاب کردیم تا مردم را به خداپرستی و دوری از شرک دعوت کنند.

### ۳-۱-۳- خواتین درون رکوعی آیات رکوع سوم (آیات ۳۳ تا ۵۰):

انکار رسالت پیامبران، ذکر مصادیق و نتیجه این انکار را می توان موضوع اصلی این رکوع دانست.

در آیات ابتدایی رکوع سوم، قرآن کریم به بیان تکذیب اشراف قوم از دعوت پیامبران و انکار رسالت پیامبران و عدم باور بر قیامت می پردازد و دلیل مردم از انکار دعوت پیامبر را چنین معرفی می کند:

اولاً: کسی که خود را پیامبر معرفی کرده است، بشری مانند شماست؛ پس اگر از او اطاعت کنید، زیانکار هستید: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَ اتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ وَ لَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلُكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ» (۳۴).

و دومین ادله آنان این است که زندگی تنها محدود به دنیا است و برانگیخته نخواهیم شد: «أَيَعِدُكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَابًا وَ عِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» (۳۷).

در آیات میانی رکوع سوم (آیات ۳۸-۴۴)، به بیان مصادیق منکران رسالت پرداخته؛ جریان قوم ثمود که پیامبر خدا را تکذیب کردند و با صیحه آسمانی عذاب شدند و اینکه همان طور که انسان ها زمان مرگ مشخصی دارند، قوم و گروه ها نیز زمان مرگ معینی دارند و به آمدن پیامبران خدا به صورت پی درپی برای هدایت مردم اشاره کرده و در آیات پایانی رکوع سوم (۴۵-۵۰) به بیان نتیجه این انکار و هلاکت امت هایی که از پیامبران پیروی نکردند پرداخته و آن را عبرتی برای دیگران معرفی می کند. همچنین به بیان پیامبری حضرت موسی (ع) و عدم پذیرش قوم فرعون از دعوت او اشاره می کند و در آخرین آیه رکوع سوم به بیان پیامبری حضرت عیسی (ع) پرداخته و حضرت عیسی (ع) و مادرش مریم را نشانه قدرت خدا معرفی می کند.

### ۳-۱-۴- خواتین درون رکوعی آیات رکوع چهارم (آیات ۵۱ تا ۷۷):

موضوع اصلی این رکوع را می توان بیان ویژگی کافران در قبال مومنان و تبیین علل عذاب آنها دانست.

در آیات ابتدایی رکوع چهارم (۵۳-۵۶) به مقایسه میان دو گروه از انسان ها پرداخته شده است. در ابتدا به بیان افرادی که کافر هستند پرداخته و نمونه ای از ویژگی آنان را بیان می کند؛ مال دنیا و فرزندان را خیرات از جانب خدا می دانند و به آن افتخار می کنند. خدا آنان را در راه گمراهی به حال خود رها می کند. مال و فرزند را نعمتی برای خود حساب می کنند. در ادامه، خداوند دادن نعمت های فراوان به کفار را نشانه خیرات آنان معرفی نمی کند، بلکه آن را دلیلی برای ورود تدریجی به عذاب بیان می کند.

در آیات میانی (۵۷-۶۱) به بیان ویژگی افرادی که «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ» هستند می‌پردازد و برخی از خصوصیات آنها را بیان می‌کند؛ هراسان بودن از بیم پروردگار، ایمان به نشانه‌ها و آیات خدا، عدم شرک ورزیدن به خدا، انفاق مال و ایمان به آخرت و قیامت. در ادامه (آیات ۶۲-۶۵)، به بیان مطالبی چون تکلیف به قدر توان انسان‌ها، به‌حق بودن پاداش و کیفر انسان‌ها، سرزنش کفار به‌خاطر گناهان و پرداختن به خوش‌گذرانی و قبول نکردن دعوت پیامبر و نسبت دروغ دادن به او و اینکه کفار هنگام خطر و عذاب از خداوند یاری می‌خواهند، اما در آن روز، نصرت و یاری در کار نیست، می‌پردازد.

سپس (آیات ۶۶-۷۷) قرآن به گفتگو با کافران می‌پردازد که عذاب آنان نشانه روی‌گردان بودن از پذیرش حق و حقیقت، پیروی کردن کفار از هوس‌های خودشان، عدم توجه به آیات خدا و انکار پیامبران است. از جمله موارد مجادله خداوند با منکران قیامت و پیامبران که نمونه‌هایی در پاسخ به ادعاهای منکران، بیان شده، عبارت است از: وحی خداوند برای اولین بار نازل نشده، بلکه برای پدران آنان نیز آمده است؛ مجنون نبودن پیامبر؛ ناله کردن به درگاه خدا در لحظه‌های سخت و اینکه عذاب‌های الهی آنان را به راه حق باز نمی‌گرداند.

### ۵-۱-۳- خوانش درون‌رکوعی آیات رکوع پنجم (آیات ۷۸ تا ۹۲):

گفتگو با منکران معاد و تبیین قدرت خدا بر امکان معاد، موضوع اصلی رکوع پنجم است. در آیات ابتدایی رکوع پنجم (آیات ۷۸-۸۰) به بیان نعمت‌های خداوند به انسان و بیان قدرت خدا بر زنده کردن و میراندن انسان‌ها اشاره می‌کند و آن را دلیلی بر اثبات معاد و قیامت بیان می‌کند.

در آیات میانی رکوع پنجم (۸۱-۸۳) به بیان استدلال منکران معاد می‌پردازد و دلیل آنان را اینگونه بیان می‌کند که این وعده‌ها به پدران ما نیز داده شده بود، ولی اینها جز خرافات چیز دیگری نیست.

در ادامه (۸۴-۹۲) به بیان گفتگو میان قرآن و منکران معاد پرداخته و ویژگی بارز در این آیات لفظ «قُلْ» است که به گفتگو اشاره دارد. (تذکر به کفار و پرسش از آنان که آفریننده آسمان‌ها و زمین و فرمانروایی از آن چه کسی است، خواهند گفت، خدا در جواب قرآن می‌گوید با این که حقیقت را برایشان آوردیم انکار می‌کنند؛ پس اینان دروغگو هستند و خداوند داننده نهران و آشکار است و برتر است از آنچه که برای او شریک می‌گیرند).

### ۶-۱-۳- خوانش درون‌رکوعی آیات رکوع ششم (آیات ۹۳ تا ۱۱۸):

موضوع اصلی این رکوع، اشاره به کوتاهی و هدمندی زندگی دنیا و تبیین حالات، درخواست و سرانجام کافران پس از مرگ است.

آیات ابتدایی رکوع ششم (۹۳-۹۸) به بیان چند دعا و درخواست پیامبر از خداوند اشاره

می‌کند تا مصون از قهر الهی باشد و در گروه ستمگران قرار نگیرد. در ادامه، خداوند به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که با این گروه کافران مدارا کن و بدی‌های آنها را با عفو و گذشت و نیکی دفع کن و سخنان نامطلوب آنها را با بهترین منطق پاسخ گو و از وسوسه‌ها و حيله‌های شیطان به خدا پناه ببر.

در آیات میانی رکوع ششم (۹۹-۱۰۰) به درخواست کافران می‌پردازد که پس از مرگ، برای انجام اعمال نیک، درخواست بازگشت به دنیا دارند، ولی پاسخ آنان منفی است و علت منفی بودن جواب آن است که اگر آنان به دنیا بازگردانده شوند، دوباره همان اعمال سابق را انجام می‌دهند و این گفتار که آنان می‌خواهند اعمال صالح انجام دهند، تنها لقلقهٔ زبانشان است؛ بنابراین در برزخ قرار می‌گیرند تا روزی که مبعوث شوند.

و در ادامه به بیان ویژگی و حالات کافران در قیامت می‌پردازد (زمانی که در صور دمیده می‌شود، بینشان خویشاوندی وجود ندارد و آنان یار و یآوری ندارند. آنان که اعمالشان سبک است در دوزخ وارد می‌شوند، کفار به سبب ترک اعمال صالح و انجام گناهان در دوزخ زشت‌رویان هستند).

در ادامه، آیات قرآن (آیات ۱۰۱-۱۱۱) به سرزنش نسبت به کافران می‌پردازد و دلیل عذاب آنان را این‌گونه بیان می‌کند: ۱. انکار آیات خداوند ۲. تمسخر بندگان صالح خداوند. در آیات پایانی رکوع ششم به مدت زمان عمر انسان در دنیا اشاره می‌کند که لحظه‌ای بیش نبوده است.

و در ادامه (آیات ۱۱۲-۱۱۸) به نتیجه‌گیری از کل سوره می‌پردازد و آن این چنین است که خلقت انسان پوچ و بیهوده نیست، بلکه هدفمند است و در آخر به سوی خداوند بازگردانده می‌شود که دلیلی بر اثبات وجود معاد است و در آخر به بیان عظمت خداوند و پرستش او در جایگاه معبودی یگانه می‌پردازد که شایستهٔ پرستیدن است.

### ۲-۳- خوانش بینامتنی برون رکوعی

در خوانش بینامتنی برون رکوعی به ارتباط رکوعات این سوره پرداخته می‌شود که در ادامه به صورت دو به دو به آن خواهیم پرداخت.

#### ۱-۲-۳- خوانش بینامتنی رکوع اول و دوم (آیات ۱-۲۲ و ۲۳-۳۲)

ارتباط بینامتنی رکوع اول و دوم از دو جهت، لفظی و معنوی است:

##### ۱-۱-۲-۳- ارتباط لفظی

در ارتباط لفظی، آیات دو رکوع از لحاظ لفظ با یکدیگر ارتباط دارند که به دو مورد اشاره می‌شود:

### الف. انشاء امور آفاقی و طبیعی در برابر انشاء اقوام و ملت‌ها

یکی از ارتباطات رکوع اول و دوم کاربرد واژه «انشاء» است که در رکوع اول اشاره به آفرینشی متفاوت از خلقت طبیعی انسان دارد که همان دمیده شدن روح در آدمی است: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (۱۴).

و در آیه‌ای دیگر اشاره به نعمت‌های فراوانی دارد که خداوند برای بهره‌مندی انسان پدید آورده است. تا با توجه و اندیشه نسبت به این پدیده‌های هستی به وجود خالق پی ببرد: «فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (۱۹).

و در رکوع دوم اشاره به وجود آوردن قوم‌ها و گروه‌ها پس از نابودی قوم‌های ستمگر دارد: «ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ» (۴۲).

### ب. انزال یک امر طبیعی (باران) در برابر انزال یک امر معنوی

یکی دیگر از ارتباطات رکوع اول و دوم کاربرد واژه «انزل» است که در رکوع اول اشاره به نازل کردن نعمت باران به اندازه است «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ...» (۱۸).

و در رکوع دوم، اشاره به درخواست حضرت نوح (ع) از خداوند برای فرود آمدن در مکانی پرخیز و برکت است: «وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» (۲۹).

### ۲-۱-۳- ارتباط معنایی

منظور از ارتباط معنایی، قرابت معنایی یا موضوعی یا محتوایی دو یا چند آیه با یکدیگر است که در ادامه به ذکر دو مورد برای نمونه خواهیم پرداخت.

### الف. مرگ همه افراد و اقوام

از مضامین مشترک در رکوع اول و دوم، مرگ همه انسان‌ها است. در رکوع اول پس از بیان خلقت و آفرینش طبیعی انسان به مرگ همه انسان‌ها (ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ) (۱۵) و در رکوع دوم به نابودی و مرگ قوم‌ها و به وجود آمدن قوم‌های دیگر به جای آنان اشاره شده است (ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ) (۳۱).

### ب. عبرت و پندپذیری از وقایع مختلف

از دیگر مضامین مشترک در این دو رکوع، عبرت و پندگیری از حوادث مختلف است. با این تفاوت که در رکوع اول توجه به نعمت‌هایی که خداوند به انسان داده است؛ مانند نعمت چهارپایان: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (۲۱) و در رکوع دوم، سرگذشت اقوام پیشین: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ» (۳۰) وسیله‌ای برای عبرت‌گیری معرفی شده است.

## ۲-۲-۳- خوانش بینامتنی رکوع دوم و سوم (آیات ۲۴ - ۳۲ و ۳۳ - ۵۰)

### ۲-۲-۱- ارتباط لفظی

#### الف. نقش ملاً در دور کردن مردم از انبیا

یکی از واژه‌هایی که رکوع دوم و سوم را به هم پیوند می‌دهد واژه «ملاً» است. اشراف و سران جامعه که سعی در دور کردن مردم از انبیای الهی داشتند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۱/۲۵۷). در رکوع دوم این سوره، اشراف کافر قوم نوح خطاب به مردم می‌گفتند: «این نوح انسانی مانند شما است و می‌خواهد بر شما برتری جوید، اگر خداوند می‌خواست (برای ما پیامبری بفرستد) قطعاً فرشتگانی می‌فرستاد (فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَنْفُضَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً) (۲۴)». در رکوع سوم نیز اشراف کافر قوم هود در مخالفت با پیامبر خود به مردم گفتند: «این هم انسانی مانند شماست؛ از هرچه می‌خورید می‌خورد و از هرچه می‌نوشید می‌نوشد (وَقَالَ الْمَلَأُ مِنَ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَآتَرْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ) (۳۳)».

#### ب. عبرت‌گیری از سرگذشت گذشتگان و روشن‌گر بودن دلایل پیامبران

یکی دیگر از ارتباطات رکوع دوم و سوم کاربرد واژه «آیه» است. در رکوع دوم اشاره به عبرت از سرگذشت دیگر قوم‌ها که نشانه‌ای از رحمت و انتقام خداوند است: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ» (۳۰).

در رکوع سوم واژه «آیه» در دو آیه به کار رفته است که در یک آیه اشاره به فرستادن موسی و هارون (ع) به سوی قوم بنی‌اسرائیل با معجزات و دلایل روشن‌گر دارد: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» (۴۵) و در آیه دیگر قرآن، حضرت عیسی و مادرش را نشانه‌ای از قدرت و رحمت خداوند معرفی می‌کند: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً...» (۵۰).

#### ج. هلاکت ظالمین و منکرین نبوت

یکی دیگر از ارتباطات رکوع دوم و سوم کاربرد واژه «هَلَكَ» است. در رکوع دوم، اشاره به دستور خداوند به هلاکت و نابودی کسانی که عذاب آنان قطعی شده است: «... وَأَهْلِكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تَحَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِفُونَ» (۲۷) و در رکوع سوم، اشاره دارد به هلاکت و نابودی کسانی که رسالت حضرت موسی (ع) و برادرش هارون را انکار کردند: «فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ» (۴۸).

### الف. ارسال پیامبران و تکذیب آنان

در هر دو رکوع دوم و سوم، مضمون ارسال پیامبران و تکذیب آنها در قومشان آمده است. رکوع دوم این سوره به فرستاده شدن حضرت هود(ع) برای هدایت قومش و دعوت آنان به عبادت خداوند و درنهایت تکذیب قوم او اشاره دارد: «فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (۳۲).

در رکوع سوم نیز قرآن اشاره می‌کند که پیامبران متعدد برای قومها فرستادیم؛ اما همه قومها پیامبر خود را انکار کردند و به‌خاطر این انکار هلاک شدند: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلِّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبِعَدَا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» (۴۴).

### ب. انکار پیامبر و هلاکت قومها

در هر دو رکوع به هلاکت و نابودی قومها به دلیل انکار رسالت پیامبرانشان اشاره شده است. در رکوع دوم اشاره به هلاکت قوم نوح(ع) به علت عدم پیروی از پیامبر خود به وسیله طوفان و سیل: «فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَا لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ» (۲۷).

و در رکوع سوم به هلاکت قوم ثمود به علت نافرمانی و عدم پیروی از پیامبر خود هود(ع) اشاره شده که نتیجه این نافرمانی هلاکت قوم ثمود به وسیله صیحه آسمانی است: «فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غَنَاءً فَبِعَدَا لِقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (۴۱).

### ۳-۲-۲-۳- جایگزین شدن قومها

اشاره به پدیدار شدن قومها پس از هلاکت قومهای دیگر (که در اثر انکار دعوت پیامبران و تکذیب آنان بوده است) مضمونی است که در هر دو رکوع وجود دارد. در رکوع دوم، قرآن اشاره می‌کند که پس از هلاکت قوم نوح(ع) قومی دیگر را (قوم ثمود) به وجود آوردیم: «ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» (۳۱).

و در رکوع سوم، قرآن می‌فرماید، قوم ثمود را به علت انکار پیامبرشان نابود کردیم و گروههای دیگری را به وجود آوردیم. و همان‌طور که انسانها زمان تولد و مرگ مشخصی دارند، قومها نیز زمان تولد و انقراض معینی دارند: «ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ» (۴۲-۴۳).

### ۳-۲-۳- خوانش بینامتنی رکوع سوم و چهارم (آیات ۳۳ - ۵۰ و ۵۱ - ۷۷)

#### ۱-۳-۲-۳- ارتباط لفظی

#### الف. دوری ستمکاران از رحمت الهی و عدم ظلم به آنها

یکی از ارتباطات رکوع سوم و چهارم، کاربرد واژه ظلم است. در رکوع سوم به عذاب قوم ثمود و دوری ستمکاران از رحمت و مغفرت خداوند اشاره شده: «فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (۴۱) و در رکوع چهارم از این مطلب که خداوند به اندازه ظرفیت انسان‌ها تکلیف می‌دهد و آنان در پاداش و کیفر مورد ستم قرار نمی‌گیرند، سخن به میان آمده است: «وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (۶۲).

#### ب. یاری پیامبران و عدم یاری منکرین معاد

یکی دیگر از ارتباطات رکوع سوم و چهارم کاربرد واژه (نصر) است. در رکوع سوم از درخواست حضرت ثمود (ع) از خداوند برای یاری در برابر انکارکنندگان رسالتش صحبت شده است: «قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ» (۳۹) و در رکوع چهارم از عدم یاری خداوند نسبت به کسانی که دیدار قیامت را انکار کردند: «لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصِرُونَ» (۶۵).

#### ۲-۳-۲-۳- ارتباط معنایی

#### الف. وحدت انبیا در دعوت به اصول مشترک و انکار آنها

از مضامین مشترک رکوع سوم و چهارم وحدت انبیا در دعوت قومشان به اصول واحد و انکار آنها از جانب قومشان است. آنچه در رکوع سوم این سوره به آن اشاره شده، فرستادن پیامبران برای هدایت قومشان و انکار دعوت پیامبر و هلاکت آنان است: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلٌّ مَّا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولَهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَ جَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» (۴۴). در رکوع چهارم، به این مطلب اشاره شده که دعوت پیامبران در هدایت قومشان یکسان بوده است و راه و آیین خداوند یکی است، ولی مردم در دینشان گروه‌گروه شدند و هر یک به دین خود ساخته خویش مغرور شدند: «وَ إِن هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ فَتَقَطُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُل حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ قَرِحُونَ» (۵۲-۵۳).

#### ب. عدالت‌محوری در عذاب الهی

از مضامین مشترک دیگر در این دو رکوع، رعایت عدالت در عذاب است؛ به این معنا که عذاب ظالمین و منکرین رسالت، نتیجه عمل خود آنها و به میزان عملکرد آنها وابسته است.

در رکوع سوم به عذاب و هلاکت قوم فرعون به دلیل تکذیب و انکار رسالت حضرت موسی و هارون(ع): «فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ» (۴۸) و در رکوع چهارم به این مطلب که خداوند هیچ کس را جز به اندازه ظرفیتش تکلیف نکرده و او به بندگانش ستم روا نمی‌دارد اشاره شده است: «وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (۶۲).

### ۳-۲-۳-۲-۳- ناپایداری خوشی‌های کافران

از دیگر مضامین مشترک در این دو رکوع، ناپایداری خوشی کافران است. در رکوع سوم، خداوند در جواب یاری خواستن حضرت هود(ع) در برابر تکذیب قومش می‌فرماید که پس از اندکی، کافران پشیمان می‌شوند: «قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ» (۴۰) و در رکوع چهارم، خداوند به پشیمانی و ندامت و یاری خواستن کفار هنگام مشاهده عذاب الهی اشاره می‌کند: «لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصِرُونَ» (۶۵).

### ۳-۲-۴- خوانش بینامتنی رکوع چهارم و پنجم (آیات ۵۱-۷۷ و ۷۸-۹۲)

#### ۳-۲-۴-۱- ارتباط لفظی

الف. آگاهی مطلق خداوند نسبت به همه امور

یکی از ارتباطات رکوع چهارم و پنجم کاربرد واژه علم است. رکوع چهارم به علم و آگاهی کامل خداوند نسبت به اعمال پیامبران اشاره می‌کند: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (۵۱).

و رکوع پنجم به آگاهی خداوند نسبت به آشکار و نهان هر چیز اشاره دارد: «عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (۹۲).

#### ۳-۲-۴-۱-۲- عدم پیروی کافران از حق

از دیگر ارتباطات رکوع چهارم و پنجم کاربرد واژه (حق) است. در رکوع چهارم به عدم پیروی کافران از حقیقتی که برای آنان آورده شده و هم چنین عدم پیروی حق از خواسته‌های نامشروع کفار اشاره شده است: «أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ وَ لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ» (۷۱).

رکوع پنجم اشاره به عدم پیروی و اطاعت از حق و حقیقتی که برای آنان آورده شده است، دارد؛ زیرا آنان دروغگو هستند: «بَلْ أَتَيْنَاهُمُ بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (۹۰).

## ۲-۴-۳- ارتباط معنایی

### الف. تقلید کورکورانه از پیشینیان

اشاره به تقلید کورکورانه و بدون تفکر از گفتار پیشینیان از مضامین مشترک رکوع چهارم و پنجم است. در رکوع چهارم، قرآن اشاره می‌کند، همان‌گونه که برای آنان وحی خداوند آمده است برای پیشینیان آنان نیز آمده است، ولی تدبر نمی‌کنند: «أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ» (۶۸).

در رکوع پنجم، قرآن بیان می‌کند با اینکه برای آنان آیات و نشانه‌های مختلفی آورده شده است، همچنان همان سخنان نادرست پیشینیان را بیان می‌کنند: «بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ» (۸۱).

### ب. تکذیب حق و حقیقت

از مضامین مشترک دیگر در این دو رکوع، آمدن حق و حقیقت برای کافران و انکار کافران است. در رکوع چهارم، خداوند در جواب تهمت دیوانگی که کافران به پیامبر نسبت داده‌اند، بیان می‌کند که حق برای آنان آورده شده، ولی آنان حق را خوش ندارند: «أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ» (۷۰).

در رکوع پنجم، قرآن پس از اشاره به گفتگو میان کفار و پیامبر، بیان می‌کند که حق برای آنان آورده شده، ولی آنان دروغگو هستند: «بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (۹۰).

## ۵-۲-۳- خوانش بینامتنی رکوع پنجم و ششم (آیات ۷۸-۹۲ و ۹۳-۱۱۸)

### ۱-۵-۲-۳- ارتباط لفظی

### الف. علیم بودن خداوند

یکی از ارتباطات رکوع پنجم و ششم کاربرد واژه «علم» است. رکوع پنجم به صفت علیم بودن خداوند و اینکه خداوند دانای آشکار و نهان هر چیز است، اشاره دارد: «عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (۹۲).

و رکوع ششم اشاره به آگاهی و علم خداوند نسبت به آن چیزی است که مشرکان پیامبر را به ناحق توصیف می‌کنند: «... نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ» (۹۶).

### ب. تکذیب آیات الهی

از دیگر ارتباطات رکوع پنجم و ششم، کاربرد واژه «کذب» است. رکوع پنجم به دروغگو بودن کافران اشاره دارد؛ درحالی که حق برای آنان آشکار شده است: «بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (۹۰).

و رکوع ششم به انکار همیشگی کافران در برابر آیاتی که برای آنان آورده شده است، اشاره می‌کند: «لَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكذِبُونَ» (۱۰۵).

## ۲-۵-۳- ارتباط معنایی

### الف. سیطره و قدرت مطلق خداوند

از مضامین مشترک رکوع پنجم و ششم، اشاره به قدرت مطلق خداوند است. رکوع پنجم به سیطره و حاکمیت و فرمانروایی مطلق خداوند و اینکه اوست که به هر کس بخواهد امان و پناه می‌دهد اشاره دارد: «قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۸۸).

و رکوع ششم به قدرت خداوند در نشان دادن عذاب کافران به پیامبر اشاره دارد: «وَ إِنَّا عَلَىٰ أَنْ نَرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ» (۹۵).

### ب. تقبیح تقلید کورکورانه و توجه به حسن عمل

از دیگر مضامین مشترک رکوع پنجم و ششم تقبیح تقلید کورکورانه و توجه دادن به عمل نیک است.

رکوع پنجم قرآن به این مطلب اشاره دارد که کافران با تقلید کورکورانه و بدون تفکر، از سخنان پیشینیان و پدران خود که گمراه بوده‌اند و روز قیامت و نبوت را انکار می‌کردند، پیروی می‌کنند: «بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ» (۸۱).

و رکوع ششم اشاره دارد به اینکه در روز قیامت خویشاوندی از بین می‌رود و ملاک سعادت، سنگینی اعمال نیک است: «فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لَا يَتَسَاءَلُونَ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱۰۲-۱۰۱).

## ۶-۲-۳- خوانش بینامتنی رکوع اول و آخر (آیات ۱-۲۲ و ۹۳-۱۱۸)

«علمای بلاغت از دیرزمان، حسن مطلع و حسن ختام در هر سوره را از جمله محسنات بدیعی قرآن و از ارکان مهم بلاغت دانسته‌اند؛ بدین‌روی، هر سوره با مقدمه‌ای آغاز می‌گردد و با خاتمه‌ای لطیف پایان می‌یابد. ضرورت بلاغت اقتضا می‌کند که سخنور سخن خود را با ظرافت تمام، به‌گونه‌ای آغاز کند که هم در شنونده آمادگی ایجاد کند و هم اشارتی باشد به آنچه مقصود اصلی کلام است. این نحوه شروع در سخن، «براعت استهلال» به معنای ورزیدگی و هنرمندی در جلب نظر شنونده در آغاز سخن، خواننده می‌شود (خامه‌گر، ۱۳۸۲: ۱۳۶). «علمای بلاغت اتفاق نظر دارند که قرآن کریم در تمامی سوره‌ها و آیاتش به بهترین وجه، از چنین نظم و نسقی برخوردار بوده و خاتمه سوره‌ها همچون افتتاح آنها، در نهایت لطافت و ظرافت انجام یافته است؛ بنابراین، باید مقاصد و اهداف بزرگی وجود داشته باشد

که این دو حسن و زیبایی را به هم پیوند داده و بدان کمال اتصال بخشیده و همراه آن دو نظمی شگفت‌انگیز بین تمام اعضا و کلمات و حروف هر سوره استوار است» (معرفت، ۱۴۲۸: ۱/۵/۳۰۱). امام صادق (ع) در روایتی، عدم توجه به براعت مطلع و خاتمه سوره را نشانه گمراهی برخی افراد در تفسیر قرآن دانسته و فرمودند: «وَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى مَا يَفْتَحُ الْكَلَامَ وَ إِلَى مَا يَخْتَمُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳/۹۰) و بدانچه کلام با آن آغاز می‌شود و بدانچه خاتمه می‌پذیرد، نمی‌نگرند. این همان نکته‌ای است که متأخرانی چون علامه طباطبائی بدان پی برده و در تفسیر آیات لحاظ کردند (همو، ۱۴۲۸: ۵).

#### ۱-۶-۲-۳- ارتباط لفظی

#### الف. رستگاری مؤمنان و عدم رستگاری کافران

یکی از ارتباطات میان رکوع اول و آخر کاربرد واژه فلاح است. در رکوع اول، اشاره به رستگاری مؤمنان و برخی از اوصاف آنان نیز بیان شده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (۱).

و در رکوع آخر قرآن، از عدم سعادت و رستگاری کافران به دلیل شرک نسبت به خداوند سخن رفته است: «وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ» (۱۱۷).

#### ب. هدفمند بودن خلقت انسان

یکی دیگر از ارتباطات میان رکوع اول و آخر اشاره به هدفمند بودن خلقت انسان است؛ بدین ترتیب که در رکوع اول، خداوند بعد از برشمردن مراحل خلقت انسان، خود را احسن‌الخالقین معرفی کرده: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ... ثُمَّ خَلَقْنَا... فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (۱۲-۱۴) و در رکوع آخر به یکی از دلایل احسن‌الخالقین بودن خداوند، یعنی هدفدار بودن آفرینش انسان، پرداخته است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (۱۱۵).

#### ج. مرگ انسان و درخواست بازگشت به دنیا

از دیگر ارتباطات میان رکوع اول و آخر کاربرد واژه «موت» است. در رکوع اول، اشاره شده است به مرگ و مردن انسان‌ها پس از خلقت آنان: «ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ» (۱۵).

و در رکوع آخر، به مرگ کافران و درخواست آنان از خداوند که به دنیا بازگردانده شوند تا اعمال نیک انجام دهند اشاره شده است: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ» (۹۹).

#### د. بیان قدرت مطلق خداوند

از دیگر ارتباطات این دو رکوع این است که در رکوع اول به قدرت خداوند در بازپس

گرفتن نعمت (باران) اشاره شده است: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ» (۱۸) و در رکوع آخر به قدرت خداوند در نمایاندن عذاب کافران به پیامبر: «وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لِقَادِرُونَ» (۹۵).

### هـ. رستگاری مؤمنان

ارتباط دیگر در هر دو رکوع، اشاره به فلاح و رستگاری مؤمنان است. در رکوع اول، به سعادت و رستگاری حتمی مؤمنان به دلیل ویژگی‌های آنان اشاره شده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (۱).

و در رکوع آخر پس از بیان روز قیامت و حوادث آن، علت رستگاری مؤمنان در برابر کافران، سنگینی اعمال نیک آنان معرفی شده؛ در حالی که شقاوت کافران به دلیل سبک بودن اعمال نیک آنان است: «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۱۰۲).

### و. جاودانگی در بهشت و جهنم

اشاره به جاودانه بودن انسان از دیگر موارد ارتباط لفظی در رکوع اول و آخر است؛ با این تفاوت که رکوع اول، اشاره به جاودانه بودن انسان‌های مؤمن در بهشت به واسطه اعمال نیکشان دارد و اینکه آنان وارثان بهشت هستند: «الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (۱۱) و رکوع انتهایی، اشاره به جاودانه بودن انسان‌های کافر در جهنم به دلیل سبکی اعمال نیک آنان و سنگینی اعمال بدشان دارد: «وَمَنْ حَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ» (۱۰۳).

### ۲-۶-۲-۳- ارتباط معنایی

#### الف. ویژگی‌ها و پاداش مؤمنان

از مضامین مشترک رکوع اول و آخر، بیان ویژگی‌های مؤمنان و در نهایت پاداش آنان است. در رکوع اول، ویژگی‌های مؤمنان بیان شده: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ..... الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (۱۱-۱) و در رکوع آخر، پاداش مؤمنان به دلیل صبر بر مشقات عبادت و صبر بر ترک معاصی و صبر بر ظلم ظالمین: «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» (۱۱۱). (طیب، ۱۳۶۹: ۹/۴۷۹)

#### ب. بیان ویژگی مؤمنان در قبال ویژگی کافران

از دیگر مضامین مشترک رکوع اول و آخر، بیان ویژگی دو گروه مؤمنان و کافران است. در رکوع اول به این ویژگی مؤمنان اشاره شده است که از کار لغو و بیهوده روی گردان هستند: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (۳). مراد از «لغو» مکروهات و مباحات است که فایده‌ای ندارند؛

مانند قصه گویی‌ها، مجالس خالی از ذکر خدا، مسافرت‌های غیرلازم، خوردن انواع خوراک‌های غیر ضروری؛ زیرا واجبات و مستحبات مصداق «لغو» نیستند، ولی روایات بر عموم دلالت دارند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۷/ ۹۹-۱۰۰) و در رکوع آخر به ویژگی کافران اشاره کرده که مؤمنانی که دارای ویژگی‌های ذکرشده در رکوع اول بودند را به سخره گرفته و به آنها می‌خندیدند: «فَاتَّخَذُوا سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ» (۱۱۰).

### ج. اندک بودن زمان تولد تا مرگ

رکوع اول به مراحل خلقت انسان از زمان تولد تا مرگ اشاره دارد: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ... ثُمَّ أَنْكُم بِعَدِّ ذَلِكَ لَمِيَّتُونَ» (۱۵-۱۲) و رکوع آخر به اندک بودن این زمان: «قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۱۱۴).

### د. هدفمند بودن حیات و ممات انسان

در رکوع اول به حیات و ممات انسان‌ها اشاره شده: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ... ثُمَّ أَنْكُم بِعَدِّ ذَلِكَ لَمِيَّتُونَ» (۱۵-۱۲) و در رکوع آخر به هدفمند بودن آن: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا..... فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ...» (۱۱۶-۱۱۵).

### نتیجه‌گیری

روابط بینامتنی یکی از مسائل مهم خوانش متن است که می‌توان از آن در فهم بهتر و دقیق‌تر و نشان دادن ظرافت‌های بیانی قرآن کریم استفاده نمود. هر متن یک واحد مستقل است که با متون دیگر نیز روابطی دارد که به آنها روابط بینامتنی می‌گویند. برای نمونه، اگر هر سوره، واحد متن ما باشد، ارتباط سوره‌ها با یکدیگر ارتباط بینامتنی است؛ این ارتباط حتی در بین آیات یک سوره نیز جریان دارد؛ چه آیات تشکیل‌دهنده یک رکوع و چه آیات موجود در رکوعات مختلف. بررسی آیات سوره مؤمنون نشان می‌دهد که آیات این سوره از نظر ساختاری و معنایی به یکدیگر ارجاع می‌دهند و زمینه خوانش بینامتنی را فراهم می‌کنند. یکی از ارتباط‌های بینامتنی سوره مؤمنون، ارتباط درون‌رکوعی و برون‌رکوعی آن است. رکوعات به نوعی از تقسیم‌بندی قرآن کریم اشاره دارد که در آن، قرآن کریم به ۵۵۵ واحد موضوعی تقسیم شود. سوره مؤمنون بر مبنای این تقسیم‌بندی به شش واحد موضوعی تقسیم می‌شود، علاوه بر ارتباط میان آیات در هر رکوع، هر یک از رکوعات این سوره نیز با یکدیگر در ارتباط است؛ رکوع اول با دوم، دوم با سوم، سوم با چهارم، چهارم با پنجم، پنجم با ششم در ارتباط لفظی و معنایی با یکدیگر هستند. همچنین، میان رکوع اول و آخر ارتباط منسجمی برخوردار است.

این رویکرد در فهم و تفسیر قرآن، همان‌گونه که در تجربه تفسیری علامه طباطبایی نیز خود را نشان داده است، از فواید بسیاری برخوردار است؛ به گونه‌ای که در مواردی، از جمله ابتدای تفسیر سوره کهف، علامه با همین روش به لایه‌های معنایی آیات قرآن دست یافته است.



## Bibliography

- Holy Qur'an (translated by M.M. Fouladvand). (1997). Tehran: Office of Studies on History and Islamic Theology. [In Arabic]
- Abu al-Fotouh Razi, H.A. (1987). Rawzat al-Janan and Ruh al-Janan in the interpretation of the Qur'an. Mashhad: Islamic Research Institute. [In Arabic]
- Fakhr Razi, A.M.O. (1999). The Keys to the Unseen (3rd ed.). Beirut: Dar al-Ehya Le-Torath al-Arabi. [In Arabic]
- Ghera'ati, M. (2009). Noor Interpretation. Tehran: Cultural Center for Qur'anic Teachings. [In Persian]
- Ghiasvand, M. (2013). Kristeva's Hermeneutics and Intertextuality. Allameh Tabataba'i University, 9(35), 97-114. <https://civilica.com/doc/603015>. [In Persian]
- Ghorashi Bana'I, A. (1996). Ahsan al-Hadith Interpretation (2nd ed.). Tehran: Be'that Institute Publications. [In Persian]
- Ghotb, S. (2004). In the Light of the Qur'an (35th ed.). Beirut: Dar al-Shorough. [In Arabic]
- Hariri, M.Y. (2005). Dictionary of Qur'anic Expressions. Qom: Hejrat Publications. [In Arabic]
- Hojjati, M.B. (2006). History of the Holy Qur'an. Tehran: Islamic Culture Propagation Office. [In Persian]
- Hosseini Hamadani, M. (1983). Beams of Light in the Interpretation of the Qur'an. Tehran: Lotfi. [In Persian]
- Ibn-e Faris, A.F. (1983). Dictionary of language standards (edited by A.M.Haroun). Qom: Dar al-Ehya al-Kutub al-Arabieh. [In Arabic]
- Ibn-e Manzour, M.M. (1993). Arabic Language (3rd ed.). Beirut: Dar al-Sader. [In Arabic]
- Javan Araسته, H. (2002). A Textbook in Qur'anic Sciences. Qom: Islamic Enlightenment Publications. [In Persian]
- Khamegar, M. (2003). Geometrical Structure of the Qur'anic Chapters. Tehran: International Publication Company. [In Persian]
- Khamegar, M. (2019). Structural interpretation of the chapter 'Bayyeneh' and the explanation of the rules for interpreting the Qur'anic chapters. Journal of Studies on Interpretation, 10(37), 173-190. <http://tafsir.maaref.ac.ir/article-1-1356>. [In Persian]
- Lesani Fesharaki, M.A., & Moradi Zanjani, H. (2015). Structural method of studying the Qur'anic chapters. Qom: Nasayeh Publications. [In Persian]
- Ma'refat, M.H. (2007). Introduction to Quranic Sciences. Qom: Al-Tamhid Cultural Publication Institute. [In Persian]
- Majlesi, M.B. (1982). Bahar al-Anwar. Beirut. Dar al-Ehya Le-Torath al-Arabi. [In Arabic]
- Mo'ini, M. (1998). Iso-themes: A dissertation on Qur'anic research. Tehran: Doustan Nahid. [In Persian]
- Mo'meni Darabi, Sh., Khamegar, M., Kariminia, M.M., & Ansari Moghaddam, M. (2021). Structural interpretation of the chapter 'Saff' and the explanation of the rules for structurally interpreting the Qur'anic chapters. Journal of New Achievements in Humanities Studies, 4(46), 82-92. <https://www.magiran.com/p2413231>. [In Persian]
- Namvar Motlagh, B. (2007). Study of intratextual references in Mathnavi through an intertextual approach. Journal of Human Sciences, 54, 429-442. [In Persian]
- Namvar Motlagh, B. (2011). An introduction to intertextuality: Theories and applications. Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]
- Rabinson, N., & Horri, A. (2011). Structure and interpretation of the chapter 'Mo'menoun'. Quarterly Journal of Interpretation, 8, 16-46. <https://www.magiran.com/p945087>. [In Persian]
- Raghib Isfahani, H.M. (1991). Lexical aspects of the Qur'an (2nd ed.). Beirut: Dar al-Ghalam. [In Arabic]
- Ranjbar, N. (2013). Substantial and thematic analysis of the chapters 'Loghman' and

- 'Mo'menoun' (an unpublished MA thesis). College of Humanities and Social Sciences, Mazandaran University. [In Persian]
- Rouhi, M., & Fayyazbakhsh, M.T. (2006). Interpretation of Qur'anic words based on their application in Majma' al-Bayan and al-Mizan. Tehran, Ehya al-Kitab. [In Persian]
- Zare' Zardini, A., Sahraie Ardakani, K., & Jannati Firouzabadi, S. (2021). Syntactic analysis of the chapter 'Fath in the light the Semitic rhetoric with a focus on the 555 thematic units (rokou'at) existing in the Qur'an. Journal of Linguistic Research on the Qur'an, 1, 1-18. doi:10.22108/nrgs.2020.124200.1559. [In Persian]
- Zare' Zardini, A., & Khalili, M. (2018). Application of the binary chapters theory to the understanding of the chapters 'Mozamel' and 'Modather'. Meshkat, 37(141), 58-61. doi: 20.100 1.1.16838033.1397.37.4.4.9. [In Persian]
- Tabarsi, F.H. (2000). Al-Bayan collection in the interpretation of the Qur'an. Tehran. Naserk-hosrow. [In Arabic]
- Taheri, H. (1998). Teachings in Qur'anic sciences. Tehran: Osweh Publications. [In Persian]
- Tayyeb, A. (1990). Al-Tayyeb interpretation of the Qur'an (2nd ed.). Tehran: Islam. [In Persian]
- Zarkeshi, B.M. (n.d). A Research work by Muhammad Abu al-Fazl Ibrahim. Beirut: Dar al-Ma'refeh. [In Arabic]